



تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستایی در ایران و اثرات آن بر توسعه بافت در نواحی روستایی؛ مورد بیژوهی؛ روستاهای جوانمردی و باغیه‌زاد، شهرستان لردگان

<sup>۱</sup> محسن صیدالی\*- دانشجوی دکتری خوارج و برنامه ریزی روتایپ، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

بیژن رحمانی - دانشیار جغرافیا و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

عباس سعیدی - استاد جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

جمیله توکلی نیا - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## **Structural-functional evolutions of rural spaces in Iran and their effects on development of rural texture in rural areas, a case study of Javanmardi and Baghbehzad Villages, Lordegan County**

## Abstract

**Abstract** Considering the geographical spaces in a changing state and the rural space as a geographical space, it is necessary for geographers to recognize the dimensions of structural-functional evolutions in rural areas. The rural spaces due to functionality of different forces over time experience many changes in their structure. These include changes in building house, rural texture as well as in function through the evolving periods of development. It is evident that the range, magnitude, intensity, and the type of these changes and evolutions are different in many regions throughout the country depending upon the kind of influence, the range and the magnitude of these factors and forces in the rural spaces as well as upon the passivity of the areas from these driving forces. Some considerable economic and social changes were made in rural spaces of Iran particularly following farm reforms and Islamic Revolution by which the spatial structure of many villages are influenced. Accordingly, as a result of these spatial evolutions the rural texture including the domiciles and pathway networks has undergone changes and developments. The study through a literature and field way for gathering data attempt to investigate the rate and the dimensions of these spatial evolutions for the selected villages of Javanmardi and Baghebehzad in Lordgan County after the revolution as well as the effects of these evolutions on the texture of the villages by an analytical-descriptive method.

**Keywords:** spatial evolution; rural space; rural texture; rural houses

چکیده

اگر فضای جغرافیایی را فضایی در حال تغییر بدانیم و فضای روستایی را نیز به عنوان یکی از انواع فضاهای جغرافیایی قلمداد کنیم، شناخت ابعاد تغییر و تحولات ساختاری-کارکردی فضاهای در روستاهای همواره یکی از وظایف جغرافیدانان بوده است. فضای روستایی در گذر زمان و در اثر نقش آفرینی عوامل و نیروهای گوناگون، تغییر و تحولات بسیاری را ساختار خود از جمله در شیوه ساخت مساکن، بافت روستائی همچنین در نقش و کارکرد در ادوار گوناگون توسعه خود پشت سر می‌گذارد. بدیهی است دامنه، وسعت، شدت و نوع این تغییر و تحولات بسته به نحوه اثرگذاری، دامنه، وسعت و نحوه اثرگذاری این نیروها و عوامل بر فضای روستائی و اثربخشی پذیری فضاهای روستایی در سطح، دامنه و وسعت آن، در نواحی گوناگون کشور متفاوت خواهد بود. در فضاهای روستایی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است که در این میان ساختار فضایی روستاهای را نیز متاثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاهای شامل مساکن و شبکه معابر روستایی است، نیز دستخوش تغییر و توسعه گردیده است. در پژوهش حاضرکه در آن از روش میدانی و کتابخانه ای برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است، دو روستای جوانمردی و باغ بهزاد در بخش خانگیرزا از توابع شهرستان لردگان انتخاب شده‌اند و سعی شده است که ضمن بررسی روند و ابعاد تغییر و تحولات فضایی که در این روستاهای در محدوده زمانی بعد از انقلاب در اثر عوامل پادشده صورت گرفته است، تأثیرپذیری بافت روستاهای مورد نظر از تغییر و تحولات فضایی ذکر شده در سطوح مختلف، باروش توصیفی-تحلیلی تبیین شوند. واژگان کلیدی: تحولات ساختاری-کارکردی، فضای روستایی، بافت روستایی، مسکن روستایی، شهرستان لردگان.

\* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۳۲۸۱۰۷۵۸؛ رایانامه: Mseidali@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری محسن صیدالی با عنوان: تحولات ساختاری-کارکردی سکونتگاه‌های روستایی و ارتباط آن با توسعه روستایی (مطالعه موردی، بخش خانمیرزا، شهرستان لردگان) در دانشگاه شهید بهشتی تهران می‌باشد.

استقرار یک روستا و نیز در فرایند توسعه کالبدی و فیزیکی، یک روستا در طول تاریخ خود، تغییر و تحولات در شکل و فرم هر یک از این فضاهای اثر سایر تحولات می‌تواند، منظرو سیمایی یک روستا را دچار دگرگونی نماید و در نهایت بافت جدید یک سکونتگاه روستایی را متفاوت و متمایز از گذشته ایجاد نماید. از جمله عمدترين تحولات در دهه های اخیر می توان به ورود اتومبیل و ماشین آلات کشاورزی، گسترش مناسبات روستا-شهری، بروز و ظهور نیازهای متنوع و توسعه و گسترش خدمات و امکانات جدید در اثر شکل گیری این نیازها را می توان نام برده که در ادوار مختلف شکل گیری و تداوم حیات روستاهای ایران قبل توجه و بررسی علمی می باشند. در گذشته ها، شکل گیری بافت روستایی متأثر از عوامل طبیعی مانند تپوپوگرافی، شیب زمین، اقلیم، دسترسی به منابع آب و شکل بهره برداری از آنها بوده است، برای مثال شبکه های آبیاری و نیز وجود یک رشتہ قنات یا چشممه و چاه، موجب پایگیری یک سکونتگاه روستائی، شکل دهنده، جهت بخش و هدایت کننده توسعه کالبدی - فیزیکی روستاهای و قوام بخش نظام استقرار مساکن و عامل مهم تداوم بخش حیات یک روستا و جامعه روستایی ساکن در آن بوده است.

علاوه بر آن، در اثر عوامل اجتماعی مانند کوچ نشینی اقوام، طوایف و ایلات و نحوه سکونت و جدائی گزینی طبقاتی آنان در محلات مختلف روستاهای نیز، بافت روستائی شکل گرفته و یا سکونتگاههای روستایی از این عامل هم متأثر می گردد که به تبع آن محلات همگن با افراد هم طایفه ای و از یک خاندان، در سکونتگاههای روستایی شکل می گرفته است. عوامل اقتصادی و از جمله ضرورت کوتاه بودن فاصله محل کار و سکونت نیز در شکل گیری بافت به هم پیوسته مزارع و باغات با مساکن در روستاهای ایران و از جمله در نواحی کوهستانی و یا بافت متفرق روستایی در نواحی شمالی ایران مژده بوده است که مجموعه این عوامل، بیانگر برخی از عمدترين تحولات فضایی موثر بر بافت روستاهای ایران می باشند.

بنابراین از گذشته های دور تاکنون در نواحی کوهستانی شمال شرق، شمال غرب و غرب ایران، ترتیب استقرار روستاهای کوچک و بزرگ به صورت متمرکز و در مجاور

## مقدمه

سکونتگاههای روستایی ایران در طول تاریخ پایگیری، استقرار و روند تداوم حیات خود، تحولات گوناگون فضایی را پشت سر می گذارند. این تحولات می توانند در ابعاد کالبدی - فضایی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - معیشتی و محیطی - اکولوژیک بررسی شوند. همانگونه که در شکل گیری، استقرار و پایگیری روستا، عوامل و نیروهای گوناگونی موثر است، موقع و بروز تحولات فضایی در روستاهای نیز متأثر از اثرگذاری نیروها و عوامل متعددی است. بسته به دامنه فعالیت، نوع، چگونگی، مقطع زمانی و مدت زمان اثرگذاری این نیروها و عوامل، در جریان تحولات فضایی و نیز بسته به دامنه و نوع اثرپذیری سکونتگاههای روستایی از این نیروها و عوامل، ماهیت و چگونگی این تحولات در نواحی گوناگون متفاوت و متنوع خواهد بود.

نحوه قرارگیری عناصر و اجزای اصلی یک روستا، مانند مجموع ساختمانها، باغها و مزارع، پل و جاده و راه، فضاهای باز، مانند خرمنگاه و گورستان و بنای زیارتگاه و عناصر اصلی محیط، مانند رودخانه و چشمه، در مجموع، بافت روستا را تشکیل می دهد. قرارگیری عوامل فوق در کنار یکدیگر، تابع قواعد و اصولی است که در هر منطقه و در هر مصدق، نیازمند مطالعه و شرح و بحث است. آنچه مسلم است، اینکه رابطه این اجزاء با یکدیگر از نوع تصادفی و اتفاقی نیست، بلکه حکمتی در پس آن نهفته است که ممکن است به راحتی به نظر نرسد و حتی با پرس و جو در محل و از اهالی هم نتوان آن را به سادگی بازخوانی کرد. معمول است که علاوه بر بافت روستا، از بافت پرروستانیزد رفاضاهای علمی و کارشناسی سخن می گویند. منظور از بافت پر، معمولاً مجموعه مصنوع شامل خانه ها و کوچه ها و گذرگاهها و ابنيه عمومی است که در کنار یکدیگر قرار دارند. حتی در روستاهای پراکنده نیز محدوده های را که ساختمانهای مسکونی در آن قرار دارند، می توان بافت پر تلقی کرد (زرگر، ۱۳۸۷، ص ص ۲۰).

همانگونه که اشاره شد، اگر بافت روستایی را مجموعه ای منشک از شبکه معابر، مساکن، مزارع، باغات، مراکز خدماتی، فضاهای عمومی بدانیم؛ در روند شکل گیری و

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
۸۸ nt  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۰۲

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۰۳

سکونتگاه‌های روستایی و نیز اجرای طرحها و برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای در روستاهارامی توان ذکر کرد، که در مجموع، در اثر این نیروها و عوامل و موارد بسیار دیگری بافت جدید روستایی را متناسب با شرایط، نیازها و الزامات جدید زندگی در روستاهاشهد هستیم.

در این نوشتار نیز با عنایت به ضرورت و ماهیت بحث، روند تحولات صورت گرفته در اثر عوامل گوناگون و نیروهای متعدد ذکر شده را در در روستای جوانمردی و با غبزار به عنوان دو سکونتگاه روستایی با سابقه تاریخی و سکونتی و وزن جمعیتی بیشتر نسبت به سایر روستاهای بخش خانمیرزا در شهرستان لردگان، بررسی می‌نماییم. شایان ذکر است همانگونه که در بالا اشاره گردید، اثرگذاری یک یا چند عامل اصلی زمینه‌ساز مکان گزینی، پایگیری، تداوم حیات و شکل‌گیری نظام استقرار یک روستا می‌باشد که در روستاهای مورد مطالعه در این نوشتار نیز این موارد قابل بررسی می‌باشند. چنانچه در روستای جوانمردی، علاوه بر ضرورت دفاع در مقابل تهدیدات، که

مشترک بر رودخانه کشیده شود (زرگر، ۱۳۷۸، ص ۲).  
بعد از اصلاحات ارضی در ایران و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل تحولات شکل گرفته در کشور، به تبع آن نواحی روستایی نیز از این جریانات تأثیر پذیرفته‌اند. انجام اقدامات عمرانی در روستاهای سبب تغییر در بافت و کالبد روستاهای گردیده است و همچنین به دنبال ورود وسائل نقلیه و نیز ماشین آلات کشاورزی ضرورت تغییر در شبکه معابر روستایی با عریض ترشدن آنها و نیز انجام طرحهای هادی و بهسازی روستایی در اثر بروز نیازهای جدید در سکونتگاه‌های روستایی، تغییر و حتی شکل‌گیری بافت جدید روستایی را به دنبال داشته است.

همانگونه که اشاره گردید، در فضاهای روستایی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است که در این میان ساختار فضایی روستاهای را نیز متأثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاهای نیز به عنوان یکی از عناصر ساختار فضایی که شامل مساقن و شبکه معابر روستایی است، نیز دستخوش تغییر گردیده است.

مزارع و زمین‌های قابل کشت بوده است.

از این گذشته با توجه به اقلیم سرد مناطق کوهستانی و نیز ضرورت تامین امنیت، فشردگی و تراکم بافت از جمله راهکارهایی بوده که ساکنین با توجه سابقه سکونت در محل و بر اثر تجربه به آن دست یافته‌اند، در شکل گیری و نحوه توسعه نقاط روستائی حوزه مطالعه، توپوگرافی پیچیده و اراضی ناهموار حاشیه رودها، باعث گردیده استقرار نقاط روستایی در فاصله مناسبی از اراضی کشاورزی و منابع (آب) روستا به طرف دامنه ارتفاعات

مشرف بر رودخانه کشیده شود (زرگر، ۱۳۷۸، ص ۲).

بعد از اصلاحات ارضی در ایران و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به دلیل تحولات شکل گرفته در کشور، به تبع آن نواحی روستایی نیز از این جریانات تأثیر پذیرفته‌اند. انجام اقدامات عمرانی در روستاهای سبب تغییر در بافت و کالبد روستاهای گردیده است و همچنین به دنبال ورود وسائل نقلیه و نیز ماشین آلات کشاورزی ضرورت تغییر در شبکه معابر روستایی با عریض ترشدن آنها و نیز انجام طرحهای هادی و بهسازی روستایی در اثر بروز نیازهای جدید در سکونتگاه‌های روستایی، تغییر و حتی شکل‌گیری بافت جدید روستایی را به دنبال داشته است.

همانگونه که اشاره گردید، در فضاهای روستایی ایران، بالاخص پس از اصلاحات ارضی و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، تغییر و تحولات بنیادین اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است که در این میان ساختار فضایی روستاهای را نیز متأثر نموده است. همچنین، در اثر این تحولات فضایی، بافت روستاهای نیز به عنوان یکی از عناصر ساختار فضایی که شامل مساقن و شبکه معابر روستایی است، نیز دستخوش تغییر گردیده است.

تغییرات و تحولات فضایی که صورت گرفته است از عوامل گوناگون (دروزنا و بروزنا) تأثیر پذیرفته‌اند که از جمله آنها می‌توان به تغییر در نظام معیشت و اقتصاد روستایی، الگوپذیری روستا و روستاییان از شهر و توسعه شهری و معماری مدرن شهرها، تحول در نظام مناسبات و پیچیده شدن روابط شهر و روستا اشاره نمود. همچنین، تحول در اقتصاد روستائی و افزایش میزان درآمد روستاییان و ورود جریانات سرمایه در فرایند تداوم حیات و توسعه

## روش بررسی

به لحاظ ماهیت موضوعات و مسائل محیطی و چگرایی‌ای، در این پژوهش از روش مشاهده مستقیم در کتاب روش کتابخانه ای در گردآوری اطلاعات مورد نیاز در پژوهش، و بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیل به صورت توأم در تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است. با

ب- بررسی نحوه اثرپذیری بافت روستایی از تحولات فضایی (اقتصادی- معيشی، اجتماعی- فرهنگی، فیزیکی- کالبدی و محیطی- اکولوژیک) در روستاهای روستاهای مورد مطالعه.

**معرفی محدوده مورد مطالعه**  
 روستای جوانمردی، مرکز دهستان جوانمردی است که در بخش خانمیرز از توابع شهرستان لردگان واقع است. این روستا در سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۵۷۶ خانوار و جمعیتی بالغ بر ۲۳۳۷ نفر بوده است که از این تعداد ۱۱۹ نفر مرد و ۱۲۱۸ زن می‌باشند. روستای جوانمردی، به لحاظ موقعیت استقراری در جنوب غربی دشت خانمیرزا و به لحاظ تیپ استقرار نیز دارای موقعیت جلگه‌ای کوهستانی و از نوع متمرکز یا گردآمده می‌باشد. این روستا با قدمتی بیش از سه قرن، از نخستین کانونهای اسکان و یک جانشینی عشاير بختیاری بوده است. هسته اصلی و اوليه روستا در مجاورت یک چشمه و در دامنه تپه‌های موسوم به تپه‌های دولاب در دشت خانمیرزا شکل گرفته است. به دنبال افزایش جمعیت و نیاز به توسعه فیزیکی در روستا محله پائین روستا در ضلع شرقی روستا و در کنار کanal آب موسوم به آب اکبر که از

مشاهده شرایط حاکم بر روش ساخت و ساز مساکن در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد و نیز شیوه اثرگذاری و اثرپذیری مساکن و نیز بافت این روستا از تحولات فضایی حاکم، به بررسی و تجزیه و تحلیل این شرایط در روستاهای یاد شده پرداخته شده است. در نهایت ضمن بررسی وضعیت موجود این دو روستا، به پیش‌بینی شرایط آینده و نیز ارائه پیشنهاداتی درخصوص وضعیت آینده این دو روستا پرداخته شده است.

### سوالات پژوهش

- ۱- چه عوامل اثرگذاری در فرایند تحولات ساختاری- کارکردی فضاهای روستایی در ایران و نیز روستاهای مورد بررسی در ناحیه‌ی مورد مطالعه موثر بوده‌اند؟
- ۲- چگونه اثرات و تبعات فضایی این تحولات بر بافت روستاهای ایران و به تبع آن در روستاهای مورد مطالعه در ناحیه‌ی مورد مطالعه موثر بوده‌اند؟

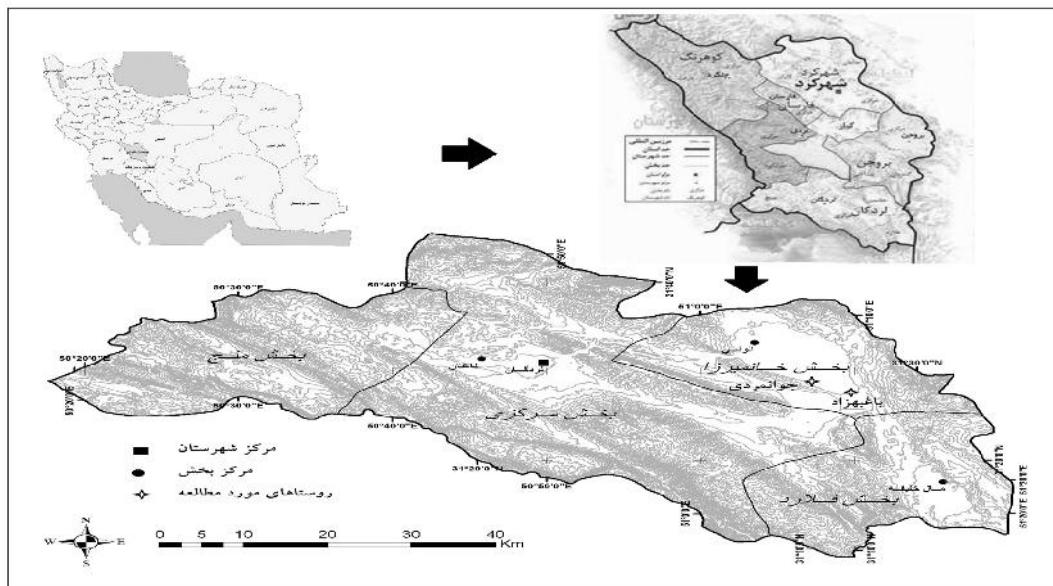
## مدیریت شهری

### اهداف پژوهش

- الف- شناخت عوامل، نیروها و روندهای موثر بر تحولات بافت روستایی در روستاهای مورد مطالعه؛

فصلنامه مدیریت شهری  
No.35 Summer 2014  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
ment

۲۰۴



نقشه ۱. موقعیت روستاهای جوانمردی و باغبهزاد در بخش خانمیرزا؛ مأخذ: نگارندگان.

# شهری شری

فصلنامه مدیریت شهری  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۰۵

صورت گرفته است، تغییرات چشم اندازهای روستایی این ناحیه با پهنه‌گیری دو مطالعه مجلزا اما مرتبط، شامل مطالعه عکس‌های هوایی و تجزیه و تحلیل آنها و همچنین مطالعات میدانی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. در مطالعه‌ای که توسط آلبرچیت<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، در برزیل تحت عنوان «کاربرد تصاویر ماهواره‌ای در تشخیص چشم انداز و کاربری اراضی»، انجام گرفته است و تحولات کالبدی و فضایی در شچم اندازی‌ها را مورد مطالعه قرار داده است.

۴. وس و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «رونده توسعه چشم اندازهای فرهنگی در اروپا دورنمایی برای آینده‌ای پایدار»، تقاضای روز افزون جامعه برای کاربری‌های جدید اراضی را در تغییر شکل و تخریب چشم اندازهای بالرزش روستایی که طی قرون منتهی به این هزاره ایجاد شده‌اند، موثر می‌داند. وی از کاهش نقش سنتی کشاورزی، افزایش کاربری‌های جدید، تقاضای روز افزون برای توسعه صنعت، فضای توریستی، تفریحات، کاربری‌های چندگانه و موارد دیگر به عنوان مهم‌ترین نمودهای تغییر و تحولات کالبدی-فضایی، نام

برده و تحولات روابط شهر و روستا در قالب افزایش پدیده شهرنشینی را بر تغییرات پدید آمده موثر دانسته است.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد، در اغلب این پژوهش‌ها، تحولات و تغییرات ساختاری (طبیعی- اکولوژیک، نهادی و غیره) از جمله تغییر در چشم اندازهای کشاورزی و روستائی و اثرات آنها در حوزه‌های کارکردی (اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی- کالبدی) را که در نهایت در تغییر سیمای توسعه و عمران شهری- روستایی (فضایی) را در پی داشته‌اند، بررسی کرده‌اند.

## پژوهش‌های داخلی

در ایران نیز در سالهای اخیر عباس سعیدی در مقالات متعددی از جمله: پویش ساختاری- کارکردی؛ رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی- فضایی (۱۳۹۰) و پویش ساختاری- کارکردی؛ رویکردی بی‌بدیل در برنامه ریزی

چشم‌های به همین نام که در روستای سیله در بخش خانمیرزا واقع است و آب‌کشاورزی قدیم روستا را تأمین می‌کرده است، محله جدید روستا شکل گرفته و گسترش یافته است. در سالهای قبل از انقلاب به جزء ساختمان

شرکت تعاونی روستا و شعبه توزیع نفت، هیچ‌گونه ساختمان و تأسیساتی در ضلع شرقی روستا وجود نداشته است و بعد از ساختمان دبستان روستادرکنار این تعاونی ساخته می‌شود.

روستای باغبهزاد نیز از روستاهای دهستان جوانمردی در بخش خانمیرزا می‌باشد که بر اساس سرشماری ۱۳۹۰

دارای تعداد ۲۲۰۲ نفر جمعیت بوده است که از این تعداد ۱۰۶۲ نفر از مردو ۱۱۳۹ نفر از زن بوده‌اند. روستای باغبهزاد نیز از به لحاظ تیپ استقرار از روستاهای جلگه‌ای (دشتی) و از نوع مرکز یا گردآمده می‌باشد. این روستا از شمال به صحرای باغبهزاد و مزرعه کرتگل و نهایتاً به جاده کمربندی خانمیرزا، از جنوب به دامنه‌های کوه سرخ و اراضی کشاورزی جنوب روستا، از غرب به مزرعه کرتگل و از شرق به خطوط لوله سراسری گاز و جاده گاز و رشته کوه سیوک، محدود می‌گردد. در شکل ۱، موقعیت جغرافیایی روستاهای یادشده در نقشه ارائه شده است.

## پیشینه پژوهش

از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه تحولات ساختاری- کارکردی سکونتگاه‌های می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

## پژوهش‌های خارجی

۱. زوبه<sup>۱</sup> (۱۹۸۹)، در یک پژوهش تحت عنوان «تغییرات چشم انداز: ادراکات و مقیاس‌های فیزیکی»، عوامل موثر در تغییرات اراضی کشاورزی در منطقه روستایی آریزونا و تناسب این تغییرات با ویژگی‌های ساکنان منطقه، بررسی کرده است.

۲. مدلی و همکارانش<sup>۲</sup> (۱۹۹۵)، در مطالعه دیگری که تحت عنوان «تغییرات چشم انداز با تراکم کشاورزی در حوضه آبخیز روستایی در جنوب غربی اوهايو آمریکا»

1. Zube  
2. Medley et all

3. Ulbricht  
4. Vos et all

قالب پایان نامه های دانشگاهی در نقاط مختلف کشور به انجام رسیده است و تقریباً همه آنها به نتایجی مشابه با پژوهش های مورد اشاره دست یافته اند. آنچه از مجموع این مطالعات انجام شده به دست می آید، نشانگر اینست که عوامل درونزا (افزایش سطح زیرکشت و میزان تولید روستائی، توسعه مناسبات شهر و روستا و غیره) و نیز عوامل برونزا (فایند جهانی شدن، اثرات زندگی شهری بر شیوه زندگی سکونتگاه های روستائی، الگوپذیری ساخت و ساز و معماری و به تبع آن بافت روستائی از ساخت و ساز شهری)، موجبات تحولات ساختاری-کارکردی را در سکونتگاه های روستائی فراهم می سازد.

**مبانی و چارچوب نظری موضوع شکل‌گیری و اسقرار سکونتگاه های روستایی**  
شکل‌گیری روستاهای در پی اسکان جماعت انسانی در نواحی گوناگون کشور، در تناسب با ویژگیهای محیطی و اکولوژیک ناحیه ای که در آن واقع شده اند، می باشند. استقرار، شکل و توسعه سکونتگاه، تحت تأثیر طبیعت قرار دارد؛ ولی تمام سکونتگاهها سازگاری موفقی با نیروهای طبیعی ندارند (چپ من، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

الگوهای سکونتگاه های روستایی از طریق سازگاری جوامع انسانی با نیروهای طبیعی و در تناسب اجتماعی- اقتصادی بسیار متنوع خود، متحول شده اند. سکونتگاهها همیشه با طبیعت سازگاری نمی یابند و به همین دلیل در مقابل سوانح طبیعی آسیب پذیر می شوند. بر عکس محیط زیست طبیعی می تواند برای ایجاد سکونتگاهی امن تر و راحت تر تعديل گردد. عوامل طبیعی بر طرح، نظم و مصالح بکار گرفته شده در ساختمنها که لازمه بیان شخصیت فیزیکی و زیبایی شناسانه سکونتگاهها هستند، تأثیر می گذارد. طبیعت بر سکونتگاه تأثیر می گذارد و سکونتگاهها نیز آثاری را بر طبیعت وارد می کنند. چنین ارتباط پیچیده ای، عاملی اساسی برای درک جنبه ها و موضوعات مختلف مرتبط به ساختمنها، واحد های همسایگی و مکانها محسوب می گردد (دیوید چپ من، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

فضایی (۱۳۹۱) و چندین اثر دیگر به تبیین این موضوع در ایران پرداخته اند. از دیگر پژوهش های انجام گرفته در ایران در زمینه تحولات ساختاری-کارکردی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۸۷): در رساله دکتری خود با عنوان «تحولات کالبدی-فضایی روستاهای پیرامون کلانشهر تهران با تاکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی»، (۱۳۵۸-۸۲)، در ناحیه رباط کریم به این موضوع پرداخته است. در این رساله به دگرگونی ناهنجار و نامتعادل ساختار کشاورزی و بروز مسائل زیست-محیطی، تحولات شدید و ناموزون در جمعیت، فعالیت های اقتصادی، فیزیک (کالبد) روستاهای این ناحیه و در نتیجه کاربری اراضی ارزشمند کشاورزی پرداخته است.

۲. قادرمزی، حامد (۱۳۸۷): در رساله دکتری خود «تحولات ساختاری-کارکردی روستاهای حریم شهر ستندج در فرآیند گسترش فضایی شهر»، (طی دوره ۸۵-۱۳۵۵)، به بررسی این موضوع پرداخته است. در این رساله ضمن پرداختن به این موضوع که مرکزیت اداری- سیاسی شهر ستندج به عنوان مرکز استان کردستان و قطب مسلط جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و نیز دارابودن ساختار خاص در عرضه خدمات و امکانات مختلف، در تبدیل ستندج به یک مرکز با نیازهای فضایی خاص در تعامل و پیوند با روستاهای شهری دیگر در خدمات رسانی، نیازهای فضایی جدیدی را برای آن شهر در پی داشته است و در تحول ساختاری-کارکردی روستاهای واقع در عرصه پیرامونی بلافضل خویش در ابعاد گوناگون اثرگذار بوده است.

۳. صادقی، مظفر (۱۳۸۹)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که به راهنمایی عباس سعیدی در دانشگاه شهرید بهشتی به انجام رسیده است به بررسی تحولات کالبدی و فضایی سکونتگاه های روستایی پیرامون شهر نورآباد ممتنی با توجه تعاملات روستا- شهری پرداخته و دریافتهد که الگوی ساخت مسکن و بافت روستا تحت تأثیر تعاملات و پیوندهای روستا شهری به کلی دگرگون گردیده است. همچنین پژوهش های بسیار دیگری در سالهای اخیر، در

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۰۷

نژادی و بومی، جدایی‌گزینی اجتماعی (قومی - طایفه ای و فرهنگی)، دسترسی به خدمات و تسهیلات، شرایط طبیعی و انسانی - اجتماعی (روستاهای گردآمده در اغلب نواحی ایران و پراکنده در شمال ایران) و غیره را نام برد. ضرورت دفاع تنهای موضوع مقابله با دشمنان نیست، بلکه ممکن است دفاع در مقابل یک عامل طبیعی و یا کلا در برابر خود طبیعت باشد از جمله آن تپه‌های مصنوعی در نواحی هموار داشته باشد از جمله آن تپه‌های مصنوعی دست می‌زده‌اند (ودیعی، ۱۳۵۲، ص ۵۷).

امروز، همراه با گسترش دامنه روابط شهر و روستا و برقراری جریان‌های گوناگون، از جمله جریان افراد، نوآوری و اطلاعات، دگرگونی دامنه داری در سطح سکونتگاه‌های روستایی پدیدار شده است. از جمله این دگرگونی‌ها، تغییر شکل و فضای بندی خانه‌های روستایی و به تبع آن، تحول کارکردی آنهاست (سعیدی، ۱۳۹۰).

تغییر الگوهای رفتار اجتماعی و ورود فضای مجازی اینترنت و دیستوپیا، که به صورت الکترونیکی مکان‌های دور را به هم وصل می‌کنند، تأثیر جدیدی بر سکونتگاه‌ها و از جمله رستاه‌گذاشته است، به گونه‌ای که در آینده، سازمان فضایی آنها را دستخوش تغییر و دگرگونی خواهد کرد. تغییراتی که در نحوه تفکر روستاییان به وجود آمده نیز به نوبه خود در تغییر فضای کالبدی مؤثر است. بخشی از این تحولات، لازمه پیشرفت، توسعه و تمدن است، اما برخی دیگر ارتباطی بانیازهای جامع روستایی ندارد. ارائه ما به ازای کالبدی مناسب از نیازها و رفتارهای اجتماعی، مستلزم شناخت جامعه و ویژگی‌های آن است (سرتیبی پور، ۱۳۸۸، ص ۵۵).

بنابراین، شکل گیری بافت روستائی متاثر از عوامل و نیروهای متعدد بیرون و درون یک روستا می‌باشد. در گذشته بنا به نیازها و نقشه‌های محدود روستا و زندگی روستائی، تعدد و تنوع در معماری، شکل و کارکرد مسکن، معابر و فضاهای روستائی نیز محدود و از تنوع کمی برخوردار بود. با گسترش دامنه ارتباطات روستا- شهری و شکل گیری مناسبات جدید شهر و روستا و نقش آفرینی پیوندهای شهر و روستا در توسعه فضایی و منطقه ای، بالطبع فضاهای و عناصر جدیدی در روستاهای پاسخگوئی به نیازهای جدید زندگی و معیشت روستائی

در جهان امروز به مدد تکنولوژی و توسعه‌ی دانش و فناوری، اگرچه نقش آفرینی عوامل محیطی - اکولوژیک در مکانیابی و استقرار سکونتگاه‌ها مانند گذشته برجسته نمی‌باشد، اما باید نقش و اثر عوامل طبیعی در آسایش و رفاه جوامع ساکن در سکونتگاه‌ها (اعم از شهری و روستائی) و نیز در تداوم حیات و بقاء آنها را از نظر دور داشت.

عوامل و تحولات فضایی موثر بر بافت و مسکن روستایی مساکن روستایی اساساً به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزاء بافت فیزیکی روستایی محسوب می‌گردد. مساکن روستایی در واقع بیانگر میزان درآمدهای اقتصادی نیز می‌باشند و درواقع نمود یا تجلی فضایی فعالیتها محسوب می‌گردد (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).

سکونتگاه‌های روستایی بر اساس عواملی ممکن است دارای مساکن مجتمع یا متفرق باشند. عواملی که موجب این تفرق یا تجمع می‌شوند عوامل طبیعی و فرهنگی می‌باشند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲). سنت بومی و نژادی نیز ممکن است باعث تجمع و یا تفرق مساکن شود. برخی از گروهها به علت خصوصیات و علایق خویشاوندی ترجیح می‌دهند که در کنار یکدیگر زندگی نمایند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۳).

دسترسی به خدمات و تسهیلات؛ نیز، امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تجمع و تفرق مساکن محسوب می‌شود. چراکه هرچه از مساکن از این منابع فاصله می‌گیرند، هزینه دسترسی به این خدمات بیشتر می‌شود. از این‌رو حتی المقدور، افراد سعی دارند که درون بافت سکونتگاهی به ساخت مسکن پردازنند (همان، ۱۵۳).

مساکن روستایی در گذشته از منابع محیطی استفاده می‌نمودند. یکی از مهم‌ترین علل در این مورد را می‌توان، فاصله این روستاهای از مراکز بزرگ که منابع ساخت مسکن را تأمین می‌نمودند دانست. همچنین فقدان تکنولوژی حمل و نقل نیز در این مورد اثر داشته است. بنابراین منابع محیطی نقش قابل توجهی در ساخت مسکن داشته‌اند (منصوری زینی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۴).

از جمله مهم‌ترین عوامل اثرگذار در این زمینه می‌توان به: ضرورت دفاع و حفظ امنیت، آداب و رسوم و سنت

علمی که نظامهای فضایی را بررسی می‌کند، بر این بنیادها استوار است:

- چشم اندازها و پدیده‌های جغرافیایی به مشابهی نظامهای مکانی-فضایی؛ و
- وظیفه شناخت ساختاری-کارکردی اینگونه نظامهای بدنی ترتیب، پویش ساختاری-کارکردی بر قانونمندی هایی از جمله موارد زیر استوار است:
- بین بسترها عینی یک پدیده (ساختار آن) و فعالیت پذیری و تحقق روابط (کارکرد) آن پیوندی بی چون و چرا برقرار است؛
- بدون عنایت به ویژگی‌های ساختاری یک نظام مکانی-فضایی نمی‌توان انتظار هرگونه کارکردی دلخواه را داشت؛
- برای ایجاد دگرگونی ثابت (توسعه) در کلیت نظام مکانی-فضایی، اعم از شهر و روستا، تحول ساختاری-کارکردی الزامی است.

بر این اساس این مختصر، پویش ساختاری-کارکردی بر این باور است که اجزای پدیده‌ها مستقل از هم عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال، نمی‌توان در بافت کالبدی یک سکونتگاه دخالت کرد و به دامنه کارکردی آن بی توجه بود. به همین ترتیب، نمی‌توان در یک سرزمین، انتظار برخورداری از شهرهای سالم داشت، بدون وجود روستاهایی توسعه یافته و بالعکس. یا نمی‌توان شاهد شکوفایی کشاورزی بود، بدون حضور فعال صنعت و خدمات (سعیدی، ۱۳۹۱).

در گذر تحولات و رخدادهای پیش آمده (در تاریخ هر کشور) متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، روستاهای دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده‌اند و برای آنکه بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند، نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش‌آمده در دیگر عرصه‌های سکونتگاهی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و معیشت خود و نیز محیط سکونتگاههای خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی-اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند (شمس الدینی، ۱۳۸۷).

به طور نمونه، شیوه‌ی زیست و معیشت روستائیان

در تاثی و تاثیرپذیری از زندگی شهری و در راستای ایفای نقشهای، ماموریت‌ها و کارکردهای جدید سکونتگاههای روستائی یا در تکامل نقشهای سابق روستاهای شکل گرفته و توسعه یافته‌ند.

### تحولات ساختاری-کارکردی

در خصوص تحولات ساختاری و کارکردی در سکونتگاههای روستایی و آنچه بدان پویش ساختاری-کارکردی اطلاق می‌گردد، می‌توان گفت: «از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هر نظام، ساختار و کارکرد آن است. در نظامهای مکانی-فضایی که موضوع اصلی مطالعات جغرافیایی نوین را تشکیل می‌دهد، انواع ساختارها (ساختار محیطی، ساختار اجتماعی، ساختار اقتصادی و غیره) و کارکردها (کارکرد محیطی، کارکرد اجتماعی، کارکرد اقتصادی و غیره) مطرح می‌شوند. بدین‌سان، رویکرد نظاموار در جغرافیا رویکردی است که ارتباط اجزای ساختاری و کارکردی پدیده‌ها را در ارتباط و همبستگی تنگاتنگ با هم مورد تاکید قرار می‌دهد (سعیدی، ۱۳۹۰).

همه پدیده‌های جغرافیایی اعم از طبیعی-اکولوژیک و یا اجتماعی-اقتصادی، حاوی خصلت قانونمندی‌های نظامها (سیستمها) هستند و از این رو، نظاموار عمل می‌کنند. بنابر این علم جغرافیا که بررسی و شناخت اینگونه پدیده‌ها تاکید دارد، در عمل نظامهای جغرافیایی یا به زبان بهتر، نظامهای فضایی را مورد بررسی دارد (سعیدی، ۱۳۹۰). هر نظام فضایی متشكل از مجموعه‌ای مرتبط از ساختارها و کارکردهای گوناگون است. از این‌رو، نگارنده، جغرافیا را علم شناخت ساختاری-کارکردی نظامهای فضایی تعریف کرده است (سهرج).

علاوه بر این، پدیده‌های جغرافیایی ضمن اینکه تاثیرات و تاثرات متقابلی را بر یکدیگر دارند، از پیوستگی ساختاری-کارکردی مبتنی بر قانونمندی‌های فضایی برخوردار می‌باشند. «پیوستگی‌های ساختاری-کارکردی نظامهای فضایی، همانند تمام پدیده‌ها، قانونمند است. بر همین مبنای پویش ساختاری-کارکردی بر اساس تعریف جغرافیا به عنوان

موثر می‌باشند که در نحوه‌ی ساخت مساکن نیز این نیروها مشهود می‌باشند. از جمله‌ی توان به بهره‌گیری و استفاده از مصالح طبیعی و در دسترس در محیط اشاره کرد که در اغلب نواحی روستایی ایران قابل مشاهده می‌باشند و علاوه بر آن، همسازی این مصالح در شکلدهی به معماری همساز با اقلیم نیز قابل بررسی می‌باشد. درگذشته وجود مصالح بومی و در دسترس یک عامل درونزا بوده است و در زمان حاضر نیز ورود مصالح جدید و بادوام علاوه بر اینکه یک عامل برونزامی باشد در عین حال خود یک تحول ساختاری در ساخت مساکن محسوب می‌گردد. این تحول ساختاری نیز در نوع خود سبب توسعه‌ی توازن با تحول کارکردی بافت روستائی می‌گردد.

تحول در مناسبات شهر و روستا و پیچیده‌تر شدن نظام ارتباطات و مناسبات روستا شهری به عنوان وجه دیگری از تحولات ساختاری، زمینه‌ساز تحولات کارکردی فراوانی در سکونتگاه‌های روستایی در جمیع ابعاد (محیطی-اکولوژیک، اقتصادی-معیشتی، اجتماعی-فرهنگی و فیزیکی-کالبدی) گردیده است. بنابرآنچه بیان گردید، امروزه پرداختن به تحولات ساختاری-کارکردی سکونتگاه‌های روستایی (تحولات فضایی) در ابعاد گوناگون آن، که بخش از آن نیز تحول در بافت سکونتگاه‌های روستایی می‌باشد، بدون لحاظ داشتن و اساس قرار دادن رویکرد ساختاری-کارکردی امکان‌پذیر نمی‌باشد و در این پژوهش نیز، مبنای کارهای رویکرد نظری می‌باشد.

بنابراین عوامل متعددی از جمله موارد بالا در مقاطع زمانی مختلف بر فشردگی یا گستردگی سکونتگاه‌های روستایی موثر می‌باشند که در نواحی مختلف و بر اساس عوامل طبیعی و انسانی متفاوت و متنوع می‌باشد. با توجه به تحولات ساختاری-کارکردی عصر حاضر و در راستای کاهش آسیب‌پذیری بافت سکونتگاه‌های روستائی از اثرات منفی الگوپذیری از معماری و ساخت و سازهای جدید و نیز در هم‌آمیختگی توازن با گستالت تاریخی و فرهنگی ناشی از اثرات منفی از تحولات ساختاری-کارکردی در زمینه‌ی کالبدی - فیزیکی، لازم است تا در ادامه به بررسی عوامل شکل دهنده به یک

عاملی تعیین‌کننده در ساخت و ساز مساکن، متناسب با فعالیت‌های جوامع روستایی می‌باشد که رفتارهای درگذر زمان، دچار تحولات ساختاری و کارکردی گردیده است. وجود برخی از فضاهای در خانه‌های روستائی، مرتبط با پیشه غالب می‌باشد، چنانچه غلبه کشاورزی (زراعت، باغداری و دامداری دهقانی) در روستاهای استان چهارمحال و بختیاری نیز موجب عناصری کالبدی یا فضاهایی جهت انجام غله، علوفه و خشک‌کردن محصولات باگی وغیره شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷).

همچنین انتخاب و به کارگیری مصالح همساز با اقلیم نواحی و شکل دهنده‌ی معماری سازگار با اقلیم و شکل یافتن سازه‌های روستایی متشکل از مصالح گردآوری شده در دسترس و بومی، از تحولات عمده‌ی موجود بافت روستائی درگذشته بوده است که جایگزینی آن با مصالح مقاوم تر و بادوام تر در سال‌های اخیر، تحول ساختاری جدید و شکل دهنده‌ی مجموعه تحولات کارکردی نوین در سکونتگاه‌های روستائی ایران محسوب می‌گردد.

به هر حال، محیط جغرافیایی، عامل تعیین‌کننده‌ای در انتخاب و نوع مصالح مصرفی به شمار می‌رود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۴۹). نوع، جنس و رنگ مصالح نیز متناسب با محیط جغرافیایی و در تناسب و هماهنگی با آن به کار می‌رود. درگذشته، معماری روستایی متنی بر باورهای قناعت گرایانه در کاربرد انرژی، مصالح ساختمانی، همسازی با محیط و بازیافت مصالح بود و برخلاف امروز، نیازی به ناسازگاری مصالح و معماری با محیط برای شاخص شدن نبود. روستاهای برای اینکه بتوانند به زیست و حیات خود ادامه دهند، نیازمند ایجاد تغییر و تحول در بدنه، کالبد و به ویژه کارکرد خود می‌باشند و از این رهگذر است که می‌توان به توسعه در کشور، نظر داشت و با این هدف روستاییان را به ادامه سکونت و زندگی در روستاهای، ترغیب و از مهاجرت و جذب آنان به کانونهای جمعیتی دیگر جلوگیری کرد (شمس الدینی، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

همچنین در بررسی تحولات ساختاری-کارکردی در سکونتگاه‌های روستایی، همانگونه که قبل از نیز بدان پرداخته شد، عوامل و نیروهای درونزا و برونزای متعددی

## دریس شتری

فصلنامه مدیریت شهری  
شماره ۲۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۰۹

دچار نابودی و ناپایداری گرددند.  
فرانسیس تیبالدرز، معیارهای طراحی شهری «خوب» برای احیای توسعه پایدار در شهرها را به شرح زیر ارائه کرد

- مکان‌ها پیش از ساختمان‌ها در نظر گرفته شوند؛
- از گذشته درس گرفت و به بافت‌های موجود احترام گذاشت؛

● از کاربری‌های مختلف در شهرها استفاده شود؛  
● مقیاس انسانی در طرح رعایت شود؛  
● آسایش پیاده‌ها تأمین شود؛  
● همه گروه‌های جامع مورد مشورت قرار گیرند؛  
● خوانایی محیط در نظر گرفته شود؛  
● محیط‌ها به شکلی انعطاف‌پذیر پیش‌بینی و طراحی شوند؛  
● رشد و تغییرات محیط‌های شهری به مثابه فزاينده تدریجی در نظر گرفته شود؛  
● در ارتقای پیچیدگی، شادی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط تلاش شود.

هاتن و هانتر نیز بر اساس اصول توسعه پایدار، تنوع، تمرکز، مردم سالاری، نفوذ پذیری، امنیت، مقیاس مناسب، طراحی ارگانیک، اقتصاد و ابزارهای مناسب آن، روابط خلاقانه، انعطاف پذیری، مشورت و مشارکت دادن استفاده کنندگان در طرح‌ها را برای شهر پایدار الزامی می‌دانستند. پون بسیاری از کارکردهای روستا در ارتباط با محیط زیست است، امروزه در بسیاری از برنامه‌های روستایی، توجه به توسعه پایدار روستایی الزامی است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، صص ۹۶-۹۷).

فضای مطلوب سکونتگاهی و پایداری یک سکونتگاه در ابعاد مختلف آن (محیطی - اکولوژیک، اقتصادی - معیشتی، اجتماعی - فرهنگی و فیزیکی - کالبدی) اشاره گردد.

#### عوامل اجتماعی - فرهنگی

لزوم احیاء ارزش‌های گذشته در ساخت مساکن و معماری با عنایت به نزول ارزش‌های گذشته در عرصه‌های روستایی که در اثر دستیابی به مادیات موجبات بروز ناهنجاری‌ها و کچ سلیقگی‌ها را تؤمن با ایجاد اثراتی چون حرکات نسنجیده، تزئینات مبتذل منزل، معماری بی‌قواره و آشفتگی رفتارها می‌گردد.

- توسعه فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی از طریق بسط و گسترش نشریات، رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی وغیره؛
- بازگشت به فرهنگ قناعت و دوری از اسراف و تبذیر؛
- تقویت و توسعه نظام آموزشی و ارتباط آن باضعهای

#### اجتماعی:

● تقویت روابط و مناسبات اجتماعی.  
در بعد اقتصادی کالبد و بافت روستا باید بتواند به ایجاد این شرایط کمک کند که این شرایط در اثر تنوع بخشی به فعالیتهای اقتصادی روستایی تداوم بقاء و پایداری روستایی را در قالب سکونتگاه مطلوب ایجاد نماید.

- تخصصی شدن فعالیت‌ها
- صرفه‌جویی‌های ناشی از استفاده مشترک از زیرساخت‌های عمومی
- انتقال آسان و سریع اطلاعات و امکان به کارگیری فناوری‌های جدید



فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۱۰

#### یافته‌های پژوهش

##### (الف) یافته‌های توصیفی

وضعیت مسکن در منطقه مورد مطالعه شایان ذکر است که در گذشته، در دشت خانمیرزا نیز مانند سایر نقاط کشور از مصالح موجود در منطقه و در دسترس استفاده می‌شده است. که از جمله آنها می‌توان به خشت و سنگ و در سقف خانه‌ها از تیرهای چوبی و شاخ و برگ درختان استفاده می‌شده است. استفاده از مصالح بومی برای شکل دهی به محیط و ساخت سرپناه، نشان دهنده نقش تعیین‌کننده طبیعت در شکل‌گیری و شکل

#### عوامل محیطی - اکولوژیک

از آنجاکه روستاهای عرصه‌هایی متکی و متأثر از طبیعت می‌باشند، تقویت پیوند روستا با طبیعت در راستای توسعه پایدار و پایداری محیطی از اهمیت خاصی برخوردار است. بهره‌برداری از منابع طبیعی در عرصه فعالیتهای اقتصادی و معیشتی باید ضمن اینکه پایداری محیط را تضمین می‌نماید، تداوم بهره‌برداری را تضمین کند تا در اثر این تعامل در سویه انسان و محیط نه منابع محیطی در اثر مهاجرت بلااستفاده بمانند و نه

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۱۱

شناخته می‌شود. این روستا در جنوب شرقی دهستان جوانمردی در دشت خانمیرزا واقع شده است در ببرسی وضعیت این روستا نیز باید افزود که این روستا به طور کامل در دشت واقع شده است. هسته اولیه روستا به تبع شبکه آب قنات روستایی با غبهزاد و در ناحیه مرکزی روستا شکل گرفته است و توسعه فیزیکی روستا در طی زمان به صورت شعاعی صورت گرفته است. این روستا به دلیل اینکه محدودیت توسعه فیزیکی ندارد مساکن آن به صورت گسترشده ولی پیوسته توسعه و بسط یافته‌اند. بالا بودن نرخ رشد جمعیت در سالهای بعد از انقلاب در روستاهای کشور و نیز بخش خانمیرزا و به ویژه این روستا که به حدود  $\frac{3}{5}$  درصد نیز رسیده بود، سبب توسعه سریع روستا از جهات فیزیکی گردید. همانند روستای جوانمردی مصالح و مواد اولیه ساخت مساکن از مصالح کم دوام و طبیعی به مصالح مقاوم‌تر و جدید تغییر یافته‌اند. به دنبال تغییرات و تحولات سریع شکل گرفته در عرصه سکونتگاه‌های روستایی کشور، این روستا نیز از این تغییرات برکنار نمانده است و شاهد تحولات عظیمی در بافت و مساکن آن همگان و همراه با سایر نقاط کشور بوده‌ایم. در این روستا نیز در دهه ۷۰، طرح هادی روستایی توسط جهادسازندگی به اجرا درآمده است. در شکل ۲، نمونه‌هایی از این تحولات را پس از اجرای طرح هادی روستائی به ترتیب در روستاهای جوانمردی و با غبهزاد ملاحظه می‌نماییم.

در نحوه ساخت و ایجاد مساکن روستایی نیز به عنوان یکی از عناصر بافت روستایی، تغییرات متعددی شکل گرفته است، که می‌توان به دگرگونی در استفاده از مصالح ساده و در دسترس از طبیعت در نواحی گوناگون روستایی به استفاده از مصالح مدرن، مقاوم، مهندسی و استاندارد در سالهای اخیر و تنوع و تکثیر در بهره‌گیری از مصالح نوین

دهی به بافت مسکونی و ایجاد هویت کالبدی روستاهاست. کاربرد مصالح بومی در معماری روستایی، حاکی از هماهنگی و همساز بودن تحولات ساختاری -کارکردی با جغرافیای محل و استفاده از امکانات طبیعی آن است. در نحوه شکل‌گیری شبکه معابر روستایی در روستای جوانمردی نیز، در گذشته به دلیل کمبود وسائل نقلیه موتوری و کمی عبور و مرور، روستا دارای یک خیابان اصلی با عرض کم و چندین کوچه و معابر فرعی بوده است. عبور و مرور مردم و احشام آنها از طریق این معابر صورت می‌گرفته است و در ناحیه جنوبی و غربی روستا نیز مزارع روستا واقع شده بوده‌اند. در سالهای پس از انقلاب به صورت خودجوش در بافت جدید روستا، معابر عریض تراز گذشته ایجاد شدند. در ساخت مساکن نیز از مصالح جدید، بادوام و نیز مناسب با اصول مهندسی ساختمان استفاده می‌شود. از جمله این مصالح می‌توان به آجر، سیمان، تیرآهن، استفاده از اسکلت بتونی با میلگرد و بتون، استفاده از قبروگونی و پوشش‌های سقفی ایزوگام و سایر عایق‌های رطوبتی مرغوب می‌توان اشاره کرد. در روند توسعه فیزیکی این روستا به دلیل افزایش جمعیت، بدون نظارت دولت، ساخت و سازها در جهات شرق و جنوب روستا انجام گردید و نیز بافت قدیم روستا نیز به صورت جدید و با معماری جدید در ناحیه غربی روستا بازسازی شد و به طور کلی تغییرات اساسی در بافت و مساکن روستا شکل گرفت. در سالهای دهه ۷۰، به دنبال اجرای طرح هادی روستایی توسط بنیاد مسکن شهرستان لردگان در روستا، توسعه فیزیکی روستا تا حدودی کنترل گردید و شبکه معابر اصلی روستا، اصلاح و بهسازی گردیدند. روستایی با غبهزاد نیز به عنوان یکی از روستاهای پر جمعیت و با سابقه تاریخی بیش از ۱۵۰ سال در منطقه



شکل ۲. تحولات فضایی متأثر از اجرای طرح هادی؛ مأخذ: عکسبرداری نگارندگان.

### ب) یافته‌های تحلیلی

در ادامه مهمنträgen عوامل و تحولات فضایی موثر بر بافت و

مسکن روستایی به صورت مجزا بررسی می‌شوند.

### الف) عوامل اقتصادی

در ابتدا لازم است که تعریفی از اقتصاد روستائی در راستای تبیین بیشتر این بخش ارائه گردد. اقتصاد روستایی هر فعالیتی است که در محیط روستا، به منظور تأمین رفاه و گذران زندگی روستاییان به قوع پیوندد، تمام یا قسمتی از اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد (مهدوی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹).

در شیوه‌های ساخت مسکن نیز، نوع و شیوه‌ی معیشت روستاییان در ساخت مسکن و در نهایت در شکل‌گیری بافت روستاهای عاملی تعیین‌کننده است. در پژوهش‌های مشابه در نواحی دیگر کشور و نیز در استان چهارمحال و بختیاری که پژوهش حاضر نیز در آن استان به انجام رسیده است، نیز چنانچه قبلاً اشاره گردید، این موضوع به اثبات رسده است. در طی سالهای اخیر، تحولات عظیمی در شیوه معیشت و اقتصاد روستاهای ایران به دنبال تحولات ایجاد شده در اقتصاد جهانی و نیز ایران رخ داده است. عدم تکافوی فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری و درآمدهای حاصل از آن، علیرغم رشد سطح زیرکشت در روستاهای نیز رشد بخش خدمات در راستای

شكل‌گیری نیازهای جدید در روستاهای توسعه فعالیتهای صنعتی و عمرانی درکشور و نیاز به نیروی کار و به تبع آن مهاجرت روستاییان به شهرها و نواحی صنعتی جهت کار و غیره، از جمله مهم‌ترین تحولات اقتصادی شکل‌گرفته در روستاهای ایران است.

حال با توجه به تحولاتی که در اقتصاد روستایی متاثر از شرایط اقتصادی کشور شکل‌گرفته است، نیاز به فضاهای جدید فعالیت و کسب و کار (از جمله تعمیرگاه، کارگاه‌ها، غیره)، فضاهای و عرصه‌های جدید خدماتی (پست، مخابرات، بانک، درمانگاه و غیره) احساس گردید و حذف پاره‌ای فضاهای در منازل و مسکن و جایگزینی فضاهای جدید به دنبال داشته است. حذف کاهدان و طوبیله، مطبخ، انباری و غیره) و شکل‌گیری برخی فضاهای در برخی مسکن متناسب با نوع فعالیت و معیشت خانوارها از جمله اصطبل، انبار علوفه، پارکینگ و آشپزخانه که دو مورد اخیر در اکثر مسکن جدید موجود هستند.

در سالهای اخیر، فرایند رشد شهرنشینی و توسعه تعاملات، پیوندها و ارتباطات روستا شهری در تحول روستاهای اثربخشی متقابل شهر و روستا از یکدیگر موثر بوده است. اگر در گذشته صحبت از روابط شهر و روستا می‌شده امروزه، پیوندهای روستا- شهری در یک فضای سرزمینی و در یک تعامل منطقه‌ای، بروز و ظهور سیمای متفاوتی از سکونت و فعالیت انسانی را ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت که علاوه بر تنوع نیازها و شکل‌گیری فضاهای جدید که گوناگونی مسکن روستایی را به دنبال داشته است، تبادلات و تعاملات روستاشهری، آشنایی با فرهنگ غربی در روستاهای شهرهای کشور پس از انقلاب مشروطه، آشنایی روستاییان با مظاهر زندگی شهری، تجميلات زندگی شهری، گسترش و اثراگذاری سازوکارهای سازمانی شهر در روستا، توسعه و فراگیر شدن شبکه‌های ارتباطی، وسائل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون)، توسعه آموزش عالی و آموزش و پرورش، جریانات مالی و پولی همه در تحول اقتصادی و اثربخش اقتصاد روستایی از شهر مؤثر بوده‌اند و در شکل‌گیری وضعیتی که امروزه در روستاهای ایران ایجاد شده است را به دنبال داشته است. روستاهای جوانمردی و باغهزاد نیز به همین دلایل و نیز دلایلی دیگر از جمله اقدامات

ساختمانی، تنوع در پلان و نقشه مساقن، حذف و یا تغییر برخی فضاهای سنتی (انبار، کاهدان، صندوقخانه، مطبخ و غیره) به عناصر جدید چون (آشپزخانه، اتاق‌های پذیرایی، نشیمن، خواب اصطبل، انبارهای علوفه و پارکینگ) اشاره کرد. همچنین تغییر در سایر عناصر بافت روستایی متناسب با شرایط زمان حاضر و نیازهای جدید و از جمله تحولات شبکه معابر روستایی و بعض اضافه شدن فضاهای سبز، عمومی و بازاری می‌توان از دیگر اثرات فضایی مترتب بر تحولات فضایی یاد شده دانست. بدیهی است، شکل‌گیری و بروز نیازهای جدید در اثر تحولات ساختاری- کارکردی و فضایی یاد شده می‌باشد که در نهایت، گذار بسیاری از روستاهای کشور را از شکل و سیمای سنتی به شکل پیچیده، مدرن و امروزی سبب گردیده است.



شکل ۳. الگوپذیری مساکن روستائی از معماری شهری

سویه که از آن با عنوان پیوندهای روستا- شهری یاد می شود، ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی روستاهای نیز منحول گردیده اند و به دنبال آن بافت و مسکن روستایی نیز از این عوامل متأثر شده اند. افزایش ارتباط بین شهرها و روستاهای و الگوبرداری از زندگی شهری، در دهه های اخیر، باعث تغییر ساختار خانواده از گستردگی به هسته ای و دگردیسی فضاهای مسکونی روستایی شده است و بسیاری از خانواده ها به جایگزین کردن الگوهای مسکن شهری به جای خانه های موجود روی آورده اند. در شکل ۳، به ترتیب الگوپذیری مساکن روستائی از معماری شهری به ترتیب در روستاهای با غبهزاد و جوانمردی

نمایش داده شده است.

دولتی در روستاهای جمله فعالیتهای عمرانی مانند انجام طرحهای هادی توسط طرحهای توسعه بنیاد مسکن در جوانمردی و توسط جهاد سازندگی در روستایی با غبهزاد، دچار تحولات فضایی شده اند. بدیهی است، انجام طرحهای هادی نیز با اهداف گوناگونی صورت می گیرد که تحولات ساختاری- کارکردی که در بالا به آنها اشاره شد را ضرورت انجام و اجرای این طرح ها موثبوده و نیز انجام و اجرای این طرح ها نیز خود تحول در بافت روستا (شبکه معابر و نیز اثرپذیری ساخت و ساز مساکن روستایی) از انجام آنها در پی داشته است.

#### ب) عوامل اجتماعی- فرهنگی

همانگونه که در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تحول بافت روستایی ذکر شد، بیش از پیش از همه عوامل اجتماعی اثرگذار و یا به عبارت بهتر زمینه ساز تحول اجتماعی روستایی می توان به نظام روابط و پیوندهای شهری و روستایی اشاره کرد. که در نهایت زمینه تأثیرپذیری بافت و مسکن روستایی را از بافت، فرم مسکن و ویژگیهای معماری و ساخت شهر و اصول شهرسازی فراهم می سازد. در گذشته کم بودن روابط شهر و روستا، سبب انزوای جوامع و محیطهای روستایی از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی شهرها می شده است، اما در زمان حاضر به دنبال گسترش این ارتباطات دو



شکل ۴. قرار گرفتن بافت و معماری سنتی و مدرن در کنار هم در روستاهای با غبهزاد و جوانمردی؛ مأخذ: عکسبرداری نگارندگان.

دامنه ها می باشد. روستای جوانمردی از تنوع بافت بیشتری به لحاظ استقراری برخوردار می باشد. در دهه های گذشته، تعدد مساکن خالی از سکنه در بافت سنتی روستا، بیشتر بوده است، اما در سالهای دهه ۱۳۸۰ به بعد، به دلیل کمبود زمین مسکونی و محدودیت توسعه فیزیکی در محدوده روستای جوانمردی، مساکن بافت قدیمی روستا در ضلع غربی روستا تخریب و به جای آنها، مساکن با معماری و ساخت جدید و به عنوان یک نمود بارز و عینی از تحولات ساختاری - کارکردی سکونتگاههای روستایی، ایجاد گردیده است. این وضعیت در بخش مرکزی روستای باغبهزاد قابل مشاهده است (شکل شماره ۴).

**تحولات الگوی ساخت مساکن در سالهای اخیر**  
در اثر تحولات ناشی از توسعه مناسبات و روابط شهر و روستا و در پی الگوپذیری جوامع روستایی ساکن در سکونتگاههای روستایی و از جمله در ناحیه مورد مطالعه، شیوه ها و الگوهای ساخت مسکن نیز تغییرات چشمگیری داشته است. علاوه بر تغییر و تحولات صورت گرفته در فضاهای روستایی، شیوه های ساخت مساکن روستایی نیز تحول یافته اند و معماری داخلی و خارجی بناهای روستایی نیز در یک تنوع ساختاری - کارکردی

فضاهای روستائی در روستاهای جوانمردی و باغبهزاد مشاهده می گردد. در شکل ۴، تحولات ساختاری - کارکردی بافت روستائی و تضاد دو گونه معماری و بافت مدرن و سنتی را در کنارهم به ترتیب در روستای باغبهزاد و جوانمردی نمایش داده شده است.

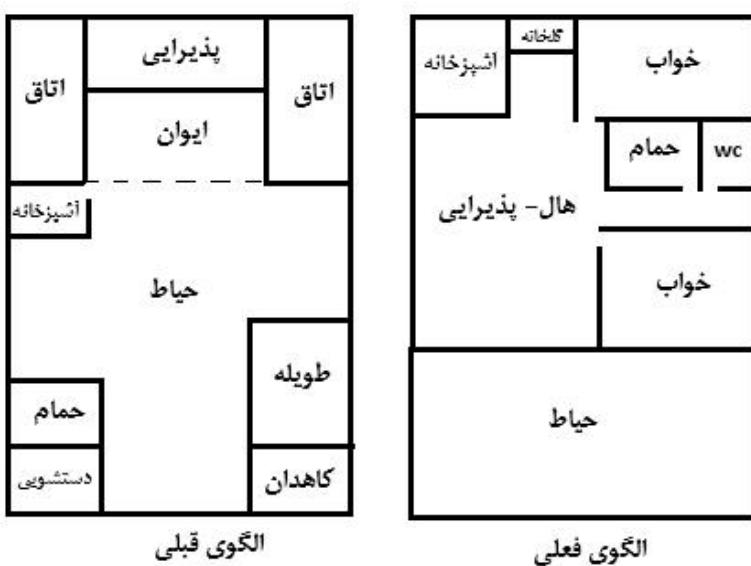
#### عوامل محیطی - اکولوژیک

بنابر آنچه ذکر شد، از جمله مهم ترین عوامل موثر بر ساخت مساکن و تغییر در بافت روستاهای محیط و عوامل اکولوژیک (طبیعت) ناچیه ای است که روستا در آن واقع شده است. تغییر و تحولات محیطی از جمله تغییر شرایط اقلیمی، توپوگرافیکی و زئومورفولوژیک، نوسان در میزان منابع آب، فرسایش خاک و غیره، در نحوه بهره برداری از طبیعت و معیشت روستایی و زندگی جوامع روستایی موثر است. در ناحیه مورد مطالعه و روستاهای جوانمردی و باغبهزاد نیز این مسئله حائز اهمیت و مشهود است. شیوه ساخت مسکن و تغییرات در بافت روستایی و عناصر این بافت نیز تأثیر پذیری خاصی از شرایط محیطی است. چنانچه روستایی باغبهزاد یک روستای گردآمده و با بافت شطرنجی و مت مرکز و روستای جوانمردی دارای بافت گردآمده، مت مرکز و در بخش کوهستانی دارای بافت مستقر بر

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۴۴ ت



شکل ۵. نمونه ای از تحولات الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه در دهه های اخیر؛ مأخذ: نگارندگان.

# میر شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۳۵ تابستان ۱۳۹۳  
No.35 Summer 2014

۲۱۵

به ویژه پس از انقلاب اسلامی به صور گوناگون دستخوش تغییر و تحولات عدیدهای گردیده‌اند. این تغییر و تحولات که تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محیطی - اکولوژیکی را شامل می‌شوند، جنبه‌های گوناگون حیات روستاهای را مورد تغییر و تحول قرار می‌دهند که از مهم‌ترین آنها بافت روستاهایی باشد. این بافت در اثر اقدامات خود روستائیان از یکسو و اقدامات عمرانی و توسعه‌ای دولت از سوی دیگر دچار تغییر و تحول می‌گردد. درجهت رسیدن به توسعه پایدار روستایی به عنوان شاه کلید و هدف غایی توسعه روستایی، لازم است تا با شناخت صحیح از زندگی روستایی و محیط روستا به برنامه‌ریزی صحیح برای روستا و روستائیان پرداخت و در نهایت، سکونتگاه مطلوب روستایی را که آرمان توسعه روستایی است، شکل داد. سکونتگاه مطلوب روستایی به نظر نگارندگان فضایی است که در آن توسعه متوازن و یکپارچه روستایی از طریق فرایند ارتقاء مستمر جنبه‌های گوناگون فضایی روستایی (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فیزیکی و محیطی) اکولوژیکی، زمینه بهره‌برداری مطلوب و بهینه از منابع طبیعی را فراهم نماید و ضمن ایجاد پایداری محیطی، تداوم استقرار و حیات روستا و روستایی را توان با رفاه و آسایش ساکنین و حفاظت و صیانت از محیط زیست را تضمین نماید.

به دلیل کمبود منابع درآمدی در روستاهای ایران و نیز وجود مشکل بیکاری، علیرغم افزایش مصالح مورد استفاده در ساخت مساکن روستایی، هنوز شاهد ساخت و ساز مساکن با استحکام کم و معماری نامناسب هستیم. در روستاهای جوانمردی و با بهزاد نیز به دلیل نظام خرد مالکی در نظام بهره‌برداری از اراضی و کمبود تولید روستایی، شاهد مهاجرت نیروی کار و تبدیل روستا با سرزندگی و پویایی خاص خود به سکونتگاه خوابگاهی هستیم. کمبود فضای لازم برای توسعه فیزیکی، خصوصاً در روستای جوانمردی، محدود شدن توسعه فیزیکی روستا را به دنبال داشته است. از سمت مغرب وجود تپه‌ها، محدود شدن جنوب روستا به اراضی کشاورزی، شرق روستا به اراضی کشاورزی و نیز شمال روستا به اراضی کشاورزی روستای مجاور (حسن‌هندو) و

(صوری و محتوائی) نسبت به گذشته ظهور یافته‌اند. مساکن جدید توجه به تحولات در تکنولوژی ساخت مسکن، تغییر در سطح زیرکشت برخی محصولات و افزایش میزان درآمد روستائیان در اثر این عامل و یا تنوع یافتن درآمدهای روستائیان به دلیل اشتغال انان در مشاغل پردرآمدتر در روستا و یا خارج از آن و ورود منابع سرمایه‌ای جدید به روستاهای، ورود کارکردهای جدید در بافت روستایی، اشکال و ساختار متفاوتی یافته‌اند. بنابراین، مسکن روستایی می‌تواند نمایانگر تجلی فضایی درآمدهای اقتصادی و طبقات و گروه‌های موجود در جامعه روستایی محسوب گردد. این موارد در ناحیه‌ی مورد مطالعه به وضوح قابل بررسی و مشاهده می‌باشد در بخش عوامل موثر بر فشردگی یا گستردگی مساکن روستایی نیز به این موارد اشاره گردید. در شکل ۵، نمونه‌ای از تحولات الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه در دهه‌های اخیر، نمایش داده شده است. چنانچه در شکل بالا ملاحظه می‌گردد، در الگوی قبلی، عناصری در ساخت مساکن روستایی با کارکردهای معیشتی (طويله، کاهدان) وجود داشته است که با تحول در شیوه‌های سکونت و معیشت جوامع روستایی، این الگوها در مساکن امروزی حذف گردیده و یا متحول گردیده‌اند. در برخی موارد انبار برای نگهداری وسائل مورد استفاده در کشاورزی، باغداری و دامداری، مطبخ به عنوان محلی جهت پخت نان و غیره وجود داشته است که در ناحیه مورد مطالعه این عناصر از ساختار مسکن حذف گردیده و به تبع آن کارکرد مساکن نیز تغییر یافته است که به دلیل اینکه در زمان نگارش این پژوهش، این عناصر در مساکن جدید کمتر مشهود بوده‌اند در شکل بالا حذف گردیده‌اند. در الگوی فعلی نیز، ساخت مساکن از الگوی حذف ردیفی و کنارهم بودن اتاق‌ها و سایر عناصر، به شکل تودرتو و با وجود عناصری جدید از جمله گلخانه، راهرو، پارکینگ و غیره تحول یافته است. به طور کلی، تحولات اقتصادی - اجتماعی در شیوه‌های ساخت مساکن روستایی به ویژه در ناحیه مورد مطالعه بسیار موثر بوده‌اند.

جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات  
چنانچه گذشت، روستاهای ایران در طی سالهای اخیر و

نیز انحصار مالکیت زمین‌های با قابلیت مسکونی در دست افراد محدود از مشکلات آینده در تحول فضایی روستای جوانمردی است. ساخت و ساز در بافت قدیم روستا نیز به پایان رسیده است و بناهای قدیمی این بافت نیز به مساکن مدرن و جدید تغییر شکل داده‌اند. در روستای باگبهزاد نیز کمبود زمین برای ساخت و ساز به دلیل عدم امکان تغییر کاربری اراضی و یا مشکل بودن آن توسعه فیزیکی-کالبدی و تحول بافت روستا، این روستا را در آینده با مشکلات فراوانی روبرو می‌سازد. تبدیل باغات و مزارع درون بافت روستا و حواشی مساکن نیز به مرحله نهایی خود رسیده است. در حال حاضر یکی از عوامل تسریع روند ساخت و ساز در روستای باگبهزاد، نزدیک شدن مساکن روستا به جاده کمربندی خانمیرزا به دلیل وجود فضایی حاصل ازو وجود زمین‌های کشاورزی (اراضی کشاورزی ضلع شمال و شمال‌غرب روستا) و محدودیت زمین در جهات دیگر روستا می‌باشد. از دیگر عوامل محدود کننده توسعه فیزیکی روستای باگبهزاد می‌توان به قرارداشتن سه خط لوله سراسری گازکشور در ضلع شرقی روستا می‌باشد که با توجه به بالا بودن جمعیت جوان روستا، ضمن اینکه پیش‌بینی می‌گردد که آینده کشاورزی و تولید روستائی در این روستارو به نابودی می‌باشد، محدودیت زمین جهت ساخت و ساز مشهود می‌باشد که در نهایت تحولات نظری ساخت و ساز مساکن با مساحت کم در ساختمان‌های یک طبقه و ویلائی، شکل‌گیری روند تراکم سازی، توسعه عمودی و دگرگونی در بافت روستائی به وقوع خواهد پیوست که طليعه رخ دادن این تحولات از اکنون آغاز گردیده و در دهه آینده تسریع خواهد گردید. گفتنی است که این تحولات ساختاری-کارکردی فضاهای و مساکن روستائی، متاثر از تحولات اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی در کنار تحولات جمعیتی، افزایش نفوس و نیازهای فزاینده جمعیت به ساخت مساکن و ایجاد فضاهای جدید، در روستای جوانمردی و دیگر روستاهای بخش خانمیرزا نیز قابل ملاحظه می‌باشد. چنانچه می‌بینیم در طراحی و توسعه بافت‌های روستایی نیز بسیاری از معیارهای یادشده در بخش مبانی نظری این پژوهش قابل به کارگیری هستند. نظر به اینکه امروزه در طراحی و توسعه بافت روستایی، از

## منابع و مأخذ

۱. باستیه، ڇان؛ درز، برنارد(۱۳۷۷) شهر، ترجمه: علی اشرفی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
۲. چپ من، دیوید(۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکان‌هادر محیط انسان ساخت، ترجمه: شهرزاد فریدی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳. زرگر، اکبر(۱۳۸۷) بافت روستایی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
۴. زرگر، اکبر(۱۳۸۵) درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۵. سرتیپی پور، محسن(۱۳۸۸) آسیب‌شناسی معماری روستایی: به سوی سکونتگاه مطلوب. چاپ اول، انتشارات شهیدی، تهران.
۶. سعیدی، عباس(۱۳۷۷) مبانی جغرافیای روستایی. چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
۷. سعیدی، عباس(۱۳۹۰) پویش ساختاری-کارکردی: رویکردی نظاموار در مطالعات مکانی-فضایی در جغرافیا، در جغرافیا: نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان، صص ۸-۱۶.
۸. سعیدی، عباس و احمدی، منیزه(۱۳۹۰) شهرگی و دگردیسی ساختاری-کارکردی خانه‌های روستایی، مورد: روستاهای پیرامون شهر زنجان، در جغرافیا: فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران،

۱۸. ودیعی، کاظم (۱۳۵۲) مقدمه بر روزتا شناسی ایران، چاپ دوم، انتشارات دهداد، تهران.
۱۹. سعیدی، عباس (۱۳۹۱) «پویش ساختاری-کارکردی، رویکردی بی بدیل در برنامه ریزی فضایی»، در فصلنامه اقتصاد فضا و برنامه ریزی روزتاپی، دانشگاه خوارزمی، شماره ۱، تابستان، صص ۱۵-۱.
۲۰. شاریه، زان برنار (۱۳۷۳) «شهرها و روزتاها»، ترجمه: دکتر سیریوس سهامی، چاپ اول، نشر نیکا، مشهد.
۲۱. شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۷۷) «تحولات کالبدی-فضایی روزتاها پیرامون کلانشهر تهران با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی کشاورزی»، (۱۳۵۸-۸۲). رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روزتاپی. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۲. شمس الدینی، علی (۱۳۸۷) جایگاه مسکن روزتاپی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی فضایی روزتاها از محیط‌های شهری، در فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۴، سال بیست و هفتم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. صص ۵۲-۴۰.
۲۳. شمس الدینی، علی (۱۳۸۷) آثار اجرای طرح‌هادی در کاهش مهاجرتهای روزتاپی، مورد مطالعه روزتاپی پل فهليان (شهرستان ممسنی)، در فصلنامه مسکن و انقلاب. شماره ۱۲۱، سال بیست و هفتم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، صص ۴۱-۳۰.
۲۴. قادری، حامد (۱۳۸۷) تحولات ساختاری-کارکردی روزتاها حیرم شهر سندج در فرآیند گسترش فضایی شهر، (طی دوره ۱۳۵۵-۸۵)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روزتاپی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۵. غفاری، سید رامین، مدبر، معصومه و ریاحی زانیانی، زینب (۱۳۸۷) مونوگرافی مسکن و معماری روزتاپی یاسه چاه، در فصلنامه تخصصی مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۲، تابستان، صص ۵۲-۴۲.
۲۶. منصوری زینی، محمد (۱۳۷۵)، نظام کشاورزی و سامان پذیری بافت سکونتگاه‌های روزتاپی روزتاپی، مورد: ناحیه میانکاله (بهشهر)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای انسانی (مطالعات ناحیه ای)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۷. مهدوی، مسعود (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر جغرافیای روزتاپی ایران، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.



■ ۲۱۷ ■